

## سلامت محیط زیست از منظر ابو زید بلخی

فاطمه ملایم

استادیار گروه عربی، دانشگاه امام صادق (ع) - پردیس خواهران

### چکیده

ابوزید بلخی اندیشمند شیعه ایرانی قرون سوم و چهارم هجری، صاحب آراء بکر در حوزه حفظ سلامت محیط زیست، پیشگیری و سلامت جسم و روان، در کتاب نفیس «مصلح الأبدان والأَنْفَس» است. هدف از تدوین این مقاله، تبیین استانداردهای عناصر سه‌گانه محیط زیست سالم از منظر ابوزید بلخی و ارائه مباحث پیشگیرانه و معرفی راه کارهای او در حوزه محیط زیست است.

روش این پژوهش توصیفی - تحلیلی با استفاده از شیوه اسنادی بوده و جامعه این پژوهش علاوه بر منبع اصلی (کتاب مصلح الأبدان و الأنفَس) منابع مرتبط با موضوع این پژوهش است. یافته‌های پژوهش، حاکی از انطباق دیدگاه این دانشمند در حوزه محیط زیست با مسائل زیست محیطی معاصر است، به‌گونه‌ای که می‌توان راه‌کارهای مناسبی از آنها برای حل مشکلات زیست محیطی جامعه استخراج نمود. نتایج پژوهش بیانگر آن است که دیدگاه ابوزید بلخی مدافع تقدم پیشگیری بر درمان در حوزه محیط زیست می‌باشد، وی بر ضرورت توجه به بهره‌برداری صحیح از تفاوت‌های اقلیمی و جغرافیایی به هنگام انتخاب و ساخت مسکن، تاکید می‌کند. توصیه وی در زمینه انتخاب محل سکونت و شهرسازی، نقاط مرتفع و در معرض بادهای مرغوب بوده و پیشنهاد می‌کند، زمانی که سرما و گرما به اوج شدت خود می‌رسد مردم در مناطق مرتفع که دارای آب و هوای پاک‌تر هستند، سکونت گزینند، تا از عفونت هوا و مضرات بخارها و دودها و ریزگردهای متصاعد از زمین در امان باشند. شیوه‌های مقابله با آلودگی هوا ناشی از پدیده وارونگی یکی از موضوعاتی است که بلخی تحت عنوان اسرار فوائد حفظ محیط زیست از آن یاد می‌کند.

کلیدواژه‌ها: ابوزید بلخی، محیط زیست، پیشگیری، تفاوت‌های اقلیمی، عفونت هوا، راهکار.

تاریخ دریافت: خرداد ۹۵

تاریخ پذیرش: خرداد ۹۶

### مقدمه:

ایجاد پل ارتباطی بین گذشته و حال نوع مشکل را مورد بررسی قرار داد، و اطلاعات جدید، کامل و دقیقی کسب نمود. بر این اساس به منظور بررسی دیدگاه‌های تاریخی زیست محیطی، و استفاده از راه کارهای ارائه شده، دیدگاه ابوزید بلخی، به عنوان یکی از اندیشمندان مسلمان ایرانی در قرن سوم و چهارم هجری، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

قبل از بلخی بقراط در کتاب خود به مقوله محیط زیست می‌پردازد، اما وی آب و هوا و موقعیت جغرافیایی شهرها را در ارتباط با بیماری‌هایی که ممکن است افراد به دلیل تفاوت‌های آب و هوایی و محل سکونت به آن مبتلا شوند، مورد بررسی قرار می‌دهد، و معتقد است طبیب باید برای درمان بیماریهای ساکنان شهرها، موقعیت جغرافیایی آنها را از نظر جهت وزش باد، موقعیت آنها نسبت به طلوع خورشید، و

انسان از دیرباز به اقتضای نیازمندیهای اقتصادی و اجتماعی خود تغییراتی در محیط زیست ایجاد کرده، در نتیجه با مشکلات زیست محیطی متعددی روبرو شده، و امنیت او همواره از طریق به هم خوردن موازنه عناصر محیط زیست مورد تهدید قرار گرفته است. امروزه این مشکلات آنچنان شدت گرفته که می‌توان گفت انسان از این جهت در جهان معاصر لحظات بحرانی حیات خود را سپری می‌کند. بدون تردید یافتن راه حل برای این معضلات پیچیده زیست محیطی جز با آگاهی یافتن از رموز و مبانی مسائل زیست محیطی امکان پذیر نمی‌باشد. یکی از روش‌های کسب آگاهی برای حل مشکلات حاضر و گذر از آنها، متصل شدن به گذشته و استفاده از تجارب گذشتگان است، تا بتوان با روش تاریخی و

### ۱ مبحث اول: معرفی ابوزید بلخی

احمد بن سهل ابوزید بلخی، متکلم، فیلسوف، روانشناس و متخصص علوم محیط زیست ملقب به جاخط خراسان صاحب تالیفاتی مشهور است (۱-۲). زادگاه او اقلیم شرق و ماوراء النهر از آبادترین سرزمینهای اسلامی است (۳). وی پرورش یافته تمدن و فرهنگ در حال پیشرفت ایران بود، و آثار علمی فراوانی از خود به جای گذاشت. وی در سال ۲۳۵ هجری مصادف با ۸۴۹ میلادی در بلخ در روستایی به نام شامستیان دیده به جهان گشود (۱). طبیعت و محیط روستا از او شخصیتی با وقار و با ثبات و آرام ساخت. او مدتی مسئولیت آموزش کودکان را در این روستا به عهده گرفت، سپس برای کسب علم و معاشرت با علماء به عراق سفر کرد تا در مورد مذهب امامیه تحقیق کند. در محضر ابی یوسف یعقوب اسحاق کندی شاگردی کرد، و کندی او را مجذوب علوم محض نمود (۴). برخلاف ادعای دکتر محمود مصری محقق کتاب مصالح الأبدان، مبنی بر گرایش او به مذهب اهل تسنن، وی شیعی مذهب بوده است (محمد مهدی اصفهانی، دیباجه کتاب مصالح الأبدان و الأنفس). چنانچه یاقوت حموی ایبانی از بلخی در رثای حسن بن حسین علوی آورده که دلیل واضحی بر گرایش او به مذهب تشیع می باشد (۱). او به مدت هشت سال در عراق به کسب علوم دینی و منطق و فلسفه پرداخت. پس از آن به بلخ بازگشت و در آنجا به نشر علم مشغول شد. در علم طب و شناخت مزاجها مهارت داشت (۱). در سال ۳۲۲ هجری مصادف با ۹۳۴ میلادی در سن ۸۷ یا ۸۸ سالگی در زادگاهش شامستیان درگذشت و در همان جا به خاک سپرده شد.

دوران حیات بلخی مصادف بود با پایان شکوه دولت عباسی و اوج عظمت و عزت سامانیان، خاندان علم و ادب در خراسان. فراهم شدن این بستر مناسب برای پیشرفت علوم و فرهنگ و تمدن به همراه تسامح و فضای آزادی که اسلام برای فعالیت در تمامی شاخه‌های علوم فراهم کرد، و همچنین رخت بر بستن تعصبات نژادپرستانه موجب شد تا اندیشمندیانی همچون ابوزید آثار ارزشمندی به تمدن بشری عرضه کنند (۵). در همین دوران بود که به دلیل حاکم بودن افکار فلسفی و

کیفیت آب مورد بررسی قرار دهد. به علاوه او به تاثیر بادها در ایجاد تغییرات در بدن انسان، و نیز ارتباط نیروی آنها و تفاوت طعم و وزن آنها با بیماری ها اشاره می کند.

ابن سینا در قرن پنجم به برخی علل و عوامل آلودگی هوا اشاره می کند، و سرزمینهایی را از آلودگی هوا بدور می داند که در آن باد زیاد بوزد و کوه مانع نباشد، و اگر مانعی در برابر وزش باد وجود داشته باشد، هوا برای تعفن آمادگی می یابد. وی از آلودگی هوا ناشی از پدیده وارونگی تحت عنوان تعفن هوا سخن گفته، و به عواقب وخیم آن اشاره می کند. زیرا هوای نزدیک به ما با غبار، دود، و بخار درآمیخته، و این بخارها هوا را آلوده و بدن را سست و به سنگینی و بی رمقی دچار می کنند، و آسیب های آن از جسم فراتر رفته و بر قدرت حافظه و درک انسان نیز تاثیر می گذارد، و موجب ضعف و کودنی می شود.

محمود مصری ضمن مقدمه ای که بر کتاب مصالح الأبدان و الأنفس نگاشته است به اهمیت دیدگاه بلخی در مورد هوا و آب و آلودگی و مصرف روز افزون آن و خطرات ناشی از انتقال بیماری های واگیر دار از طریق آب و هوا اشاره می کند، سپس از تاثیر محیط زیست بر سلامت جسم و روان از منظر وی سخن می گوید.

سوالات اصلی این پژوهش عبارتند از:

آیا دیدگاه ابوزید بلخی در حوزه محیط زیست، با مسائل زیست محیطی جامعه امروزی انطباق دارد؟

در دیدگاه ابوزید بلخی، تمرکز بیشتر بر پیشگیری است یا درمان؟

ابوزید بلخی، چه راهکارهایی برای کنترل و مقابله با مسائل زیست محیطی ارائه نموده است؟

### مواد و روش ها:

روش این پژوهش توصیفی - تحلیلی به شیوه اسنادی بوده و جامعه این پژوهش، مهمترین مستند (کتاب نفیس مصالح الأبدان و الأنفس نوشته ابوزید بلخی) بوده و همچنین سایر اسناد و منابع معتبر مرتبط با موضوع پژوهش نیز مورد بررسی قرار گرفته است.

آثاری است که جسم و روان را به عنوان یک مجموعه واحد در نظر می‌گیرد و ضرورت توجه به پیشگیری و حفظ سلامت جسم و روان را مورد تأکید قرار می‌دهد، و می‌گوید «سخن گفتن از حفظ سلامت چیزی است که اطبا در آثارشان به آن نپرداخته‌اند، زیرا این موضوع از جنس حرفه آنها نیست، چنانچه مداوای بیماری‌های روان از جنس بیماری‌هایی که با فصد و دارو مداوا می‌شوند، نیست» (۱۲).

بلخی در مقدمه با اختصار و با سبک آموزشی خود که در کتاب دنبال می‌کند به اصول کلی علم حفظ سلامت استناد می‌کند، و تدابیری برای بکارگیری آن معرفی می‌کند. سپس در فصل سوم از مقاله اول ضمن تعیین استانداردهایی که عناصر سه‌گانه محیط زیست باید برخوردار باشند، راه‌حلهایی را برای فراهم کردن محیط زیست سالم ارائه می‌دهد (۱۳). پس از آن به مواد غذایی و آشامیدنی سالم و عوامل ایجاد شادابی روان و موسیقی و تأثیر آن می‌پردازد. در مقاله دوم کتاب با عنوان «مصلح الانفس» او به تدبیر مصالح نفس می‌پردازد و سلامت روان را از جنبه‌های مختلف در هشت باب مورد بررسی قرار می‌دهد.

### ۳-۳ مبحث سوم: اهمیت پیشگیری در حفظ محیط

#### زیست

بلخی در فصل سوم از مقاله دوم بحث محیط زیست را با نیاز انسان به تدبیر در مسکن و آب و هوا آغاز می‌کند، و با ذکر مقدمه‌ای به نیاز مبرم انسانها به این سه عامل و اهمیت توجه به آنها می‌پردازد. سپس راهکارهایی برای حل مشکلاتی که از ناحیه این عوامل ممکن است پیش آید ارائه می‌دهد. او این نیاز را با کلیات مباحث نظری طب مرتبط می‌داند و می‌گوید: «اولین موضوعی که انسان باید تدابیر لازم را در آن برای تداوم حیات و رشد و نمو و امرار معاش خود اتخاذ کند، آب و هوا و مسکن یا محیط زیست می‌باشد» (۱۳). به همین دلیل وی این موضوع را که از چشمگیرترین موضوعات مقاله اول می‌باشد مقدم بر بحثهای دیگر می‌آورد، که شامل موضوعات زیر می‌شود: (الف) نیاز به تدبیر محل سکونت و آب و هوا، (ب) ارتباط متقابل بین مزاج عوامل سه‌گانه محیط

عقل‌گرایی بر شیوه‌های پژوهش، مکتب‌های علمی، فکری، اجتماعی، و دینی متعددی شکل گرفت و شیوه‌های جدیدی در حوزه پژوهش علمی همچون طب، نجوم، ریاضیات، هندسه، و کشاورزی رواج یافت، تا جایی که این علوم به سمت تخصصی شدن سوق یافت (۵).

از جمله استادان ابو زید بلخی، محمد بن اسلم و ابو یوسف یعقوب بن اسحاق کندی بودند، که بلخی علوم فراوانی مخصوصاً در فلسفه از آنها کسب نمود (۱). به همین دلیل وی به روش فلاسفه به نقد و بررسی می‌پرداخت (۶-۷). بسیاری از اندیشمندان معاصر وی او را دائرةالمعارفی می‌دانند که در فلسفه، ریاضیات، تاریخ، جغرافیا، و ادبیات دست به نگارش زد. البته آثار پزشکی او نیز چیزی از دیگر آثار او کم ندارد (۸). از شاگردان او می‌توان به ابو محمد حسن بن وزیری صاحب کتاب اخبار ابو زید بلخی، و محمد بن زکریای رازی اشاره کرد. ابن ندیم، ابو زید بلخی را استاد رازی در فلسفه می‌داند (۹). رازی، که معاصر بلخی بوده، رساله‌ای در باره علت زکام مزمن بلخی در فصل بهار و زمان گل‌آوری گل سرخ و نیز تأثیر دانه‌های گرده بر دستگاه تنفسی نوشته که دلیلی بر ارتباط و پیوستگی بین آنها بوده است (۱۰).

### ۲-۳ مبحث دوم: معرفی مصالح الأبدان والأنفس

از بلخی حدود پنجاه کتاب و رساله به جای مانده است. یکی از آثار مهم او «کتاب مصالح الأبدان والأنفس» است. این کتاب قرن‌ها از زمان خود سبقت گرفته و نقطه عطف روشنی برای مؤلف و مایه مباهات تمدن و فرهنگ اسلامی است. ارزش هر کتابی اغلب بعد از مطالعه آن مشخص می‌شود، اما این کتاب با عنوان چشم‌گیرش قبل از مطالعه، اعجاب هر خواننده‌ای را بر می‌انگیزاند. از ویژگی‌های بارز این کتاب حاکم بودن نگاه استدلالی و تکیه بر قیاس و استدلال است، که حاکی از تبحر مؤلف در علوم متعدد مخصوصاً فلسفه می‌باشد. این کتاب در دو مقاله تألیف شده است. عنوان مقاله اول «مصلح الأبدان» است که به مقوله حفظ سلامت جسم می‌پردازد (۱۱). اهمیت این کتاب در این است که از اولین

به نظر او همه چیز در این عالم از اشیاء طبیعی گرفته تا اشیاء مصنوعی ساخته دست بشر در معرض دگرگونی و نابودی هستند. لذا نیازمند مراقبت هستند تا دچار زوال نشوند، و از طول عمر مفید برخوردار شوند. این نیاز شبیه به نیاز مبرم ساختمانهای عظیم به مرمت و نگهداری است، تا جایی که اگر به این موضوع بی‌توجهی شود به سرعت رو به زوال می‌گذراند. و انسان اشرف مخلوقات که تمامی کائنات و نظام هستی برای او به تسخیر گرفته شده بیشتر از دیگر موجودات و اشیاء مستحق این مراقبت است (۱۱). البته این نگهداری و پیشگیری در صورتی امکان پذیر است که هر فردی نسبت به جسم و روان و طبیعت محل سکونت، مایحتاج زندگی خود، چگونگی پیشگیری از بیماری‌ها، و تلاش در جهت درمان آنها اطلاع کافی داشته باشد. همچنین باید از تدبیر و درایت کافی نیز برخوردار بود تا با بکارگیری آنها موجبات سلامت نفس و جسم و نهایتاً دستیابی به سعادت دنیوی و اخروی فراهم شود. بلخی می‌گوید انسان به دلیل عدم آگاهی نسبت به حقیقت امور خود را از فواید دقیق و فراوانی که می‌تواند از ناحیه محافظت از اشیاء و عناصر موجود در عالم بدست آورد محروم می‌گرداند. چون آثار زیانباری که در نتیجه بی‌توجهی به موضوع حفظ سلامت محیط زیست به بار می‌آید در کوتاه مدت ملموس و آشکار به نظر نمی‌رسد، بلکه به تدریج با هم جمع و تبدیل به فاجعه می‌شود (۱۱).

بر این اساس سلامت و بهداشت جسم و روان را با سلامت محیط زیست، یعنی آب و هوا و محل سکونت مرتبط می‌داند. چنانچه منشأ بسیاری از مشکلات جسمی و روانی از نظر او بی‌توجهی به مقوله حفظ محیط زیست و پیشگیری است که منجر به فاجعه زیست محیطی می‌شود. ارتباطی که او بین زنجیره انسان و سلامت جسم و روان و محیط زیست و نهایتاً توسعه بشری و سعادت دنیوی و اخروی برقرار می‌کند، حاکی از نگاه عمیق او به اهمیت محیط زیست است (۱۳). این موضوعی است که بشریت امروزه بعد از گذشت قرن‌ها به اهمیت آنها پی برده، و به این نتیجه رسیده است که برای نجات از بیماری‌ها و خطرات ناشی از آلودگی‌های محیط زیست و آثار مخربی که پیشرفت‌های سریع علمی و تکنولوژی

زیست، (ج) تاثیر محیط زیست بر تفاوت‌های جسمانی و روانی انسانها، (د) عوامل مؤثر در اختلاف محل سکونت و آب و هوا، (ه) ویژگی‌های محل سکونت سالم، (و) دلایل مهاجرتها، (ز) راهکار اصلاح محیط زیست، (ح) فواید نقل و انتقال بین خانه‌های بیلابلی و قشلاقی، (ط) توجه به تاثیر بادهای (۱۴).

بلخی در مورد تاثیر عناصر سه‌گانه تشکیل دهنده اجزاء محیط زیست بر جسم و روان انسان می‌گوید: «مزاج این عناصر تحت تاثیر یکدیگر قرار دارند، و مزاج انسانها نیز تحت تاثیر مزاج این عناصر می‌باشد». یعنی «مزاج آبی که انسان می‌نوشد تحت تاثیر طبیعت خاکی است که بر آن جاری می‌شود، و مزاج هوایی که تنفس می‌کند تحت تاثیر بخارهای متصاعد از آب رودخانه‌ها و دریاها و اقیانوس‌های روی زمین است. و اینها مزاج خود را به هوایی که در معرض آنها قرار می‌گیرند منتقل می‌کنند. به همین دلیل طبیعت هوا و بادهای ترکیبی است از طبیعت آب و خاکی که در معرض آن قرار می‌گیرند و طبیعت انسانها نیز متأثر از خاک و آب و هوایی است که آنها را احاطه کرده است» (۱۳).

بلخی با ذکر این مقدمه در صدد است دو نتیجه مهم استخراج کند: اول آنکه دستیابی انسان به سلامت جسم و روان بدون سلامت محیط زیست امکان پذیر نیست. دوم، تفاوت محیط زیست منشأ تفاوت‌های جسمانی و اخلاقی انسانها می‌باشد. یعنی تفاوتی که در شکل و ظاهر و قد و رنگ پوست و زبان و خلق و خوی ساکنان مناطق مسکونی زمین مشاهده می‌شود، ناشی از تفاوت عناصر خاک و آب و هواست و اگر این تفاوت نبود، تمامی انسانها می‌بایست از نظر جسم و خلق و خوی نفسانی شبیه به هم باشند.

اهمیت دقت نظر این اندیشمند در مطرح کردن ارتباط تنگاتنگ سلامت روح و جسم انسان با سلامت محیط زیست از این جهت است که وی در صدد نتیجه‌گیری مهم و جدید دیگری می‌باشد، و آن ضرورت محافظت از محیط زیست و جلوگیری از تخریب آن برای دستیابی به سلامت جسم و روان می‌باشد (۱۱).

محل سکونت را در ارتباط با حفظ بهداشت مورد بررسی قرار می‌دهد (۱۶).

تفاوت دیگر شیوه پژوهش بلخی و بقراط در این است که بلخی اطلاعات خود در مورد آب و هوا و محل سکونت را طبقه‌بندی می‌کند، سپس استانداردهای لازم محل سکونت سالم را از آن استخراج می‌کند. اما بقراط به تعداد بیماری‌هایی که ممکن است افراد به دلیل تفاوت های آب و هوایی و محل سکونت به آن مبتلا شوند می‌پردازد (۱۶).

منشأ تفاوت محیط زیست از منظر بلخی از سه ناحیه است: (الف) خاک، (ب) موقعیت جغرافیایی، (ج) دوری یا نزدیکی نسبت به مدار خورشید (۱۳). وی تفاوت آنها را نیز از سه جهت می‌داند: (الف) نوع خاکی که آب از آن سرچشمه می‌گیرد، (ب) جاری بودن آب بر قسمت سطحی زمین یا سر بر آوردن از اعماق زمین، قناتها و چاهها، (ج) کندی یا تندى جریان آب مانند جریان آب رودخانه ها و نهرها. بلخی همچنین معضل آب را از جنبه‌های زیر هم مورد بررسی قرار می‌دهد: (الف) چگونگی جبران کمبود منابع آبی با توجه به محدودیت و مصرف روز افزون آن، (ب) نفوذ آلودگی و عوامل بیماری‌زا به آنها (ج) نفوذ مواد شیمیایی و آلوده کردن آنها و سپس انتقال این آلودگی به خاک. تمام این موارد همان معضلاتی هستند که جوامع امروزی بشدت دست به گریبان آن شده‌اند. وی بر این اساس نتیجه می‌گیرد که آب شرب مناطق مسکونی باید جاری، و از مناطقی پاکیزه با خاک مرغوب سرچشمه گیرد، با مواد آلوده درنیامیزد، به مدت طولانی در معرض تابش خورشید باشد، نور و حرارت کافی به آن برسد، و جریان آن سریع باشد. همچنین فاصله بین سرچشمه و نقطه استفاده از آب زیاد باشد تا با جریان یافتن در مسیری طولانی بر لطافت و سبکی و زلالی و گوارایی آن افزوده شود (۱۳).

هوا نیز از نظر بلخی از سه جهت متفاوت است: (الف) آب و خاکی که هوا در معرض آن قرار می‌گیرد، (ب) موقعیت هوا نسبت به موقعیت و مدار خورشید، (ج) هوا در اماکن مرتفع مانند مناطق کوهستانی و دامنه آن در جریان باشد یا در مناطق پست و گود و دره‌ها محبوس شده باشد. وی منشأ آلودگی هوا را به عوامل زیر نسبت می‌دهد: (الف) آلودگی‌های موجود در

و تحول تمدن مادی برای او به ارمغان آورده، و همچنین دستیابی به سلامت جسم، روان، فرهنگ، تمدن، و به تبع آن سعادت دنیوی و اخروی، راهی جز پیشگیری و حفظ موازنه عناصر محیط زیست ندارد. این در حالی است که مشکلات زیست محیطی دوران بلخی به هیچ وجه با مشکلات و معضلات پیچیده جوامع امروزی قابل مقایسه نمی‌باشد (۱۳).

بلخی این موضوع را در کتاب «مصالح الابدان و الأنفس» در چارچوب موضوعات ذیل مورد بررسی قرار می‌دهد: (الف) پیشگیری از بیماری‌ها (ب) بالا بردن سطح آگاهی بهداشتی (ج) حفظ سلامت محیط زیست و مبارزه با خطراتی که سلامت جسم و روان انسان را به خطر می‌اندازد. آنچه بلخی در این زمینه با زبان ساده و شیوای خود مطرح می‌کند، هر چند در نگاه اول ساده و عادی به نظر می‌رسند، اما در واقع همان مبانی و اصولی هستند که علوم محیط زیست نوین بر مبنای آنها شکل گرفته است. چرا که حفظ محیط زیست در تعریف علوم نوین چیزی جز حفظ تعادل و برقراری موازنه در فضایی که موجودات و انسان را احاطه کرده نیست.

البته قبل از او، بقراط در کتاب خود، «آب و هوا و محل سکونت»، به تفاوت زمان و مکان و تاثیر آن بر بیماری‌ها اشاره می‌کند، و لازم می‌داند که طبیب نسبت به این تفاوتها و ارتباط آنها با بیماری‌ها آگاهی داشته باشد. او به پزشکان توصیه می‌کند برای درمان بیماریهای ساکنان شهرها، موقعیت جغرافیایی شهرها را از نظر جهت وزش باد، و نیز نسبت آنها به طلوع خورشید، و همچنین کیفیت آب مورد بررسی قرار دهند. به علاوه او به تاثیر بادهای در ایجاد تغییرات در بدن انسان، و نیز ارتباط نیروی آنها و تفاوت طعم و وزن آنها با بیماری‌ها اشاره می‌کند (۱۵).

اما بلخی نقل قولی از بقراط نداشته است، بلکه با روش خاص خود مباحثی را در مورد آب و هوا و محل سکونت مطرح می‌کند و به گونه‌ای آنها را با قوانین نظری به اثبات می‌رساند که کسی قبل از او به این کار نپرداخته است. البته نوع تحقیق هریک از این دو اندیشمند با عنوان کتابشان تناسب دارد. بقراط به طور عام از آب و هوا و سرزمین‌ها و گاه از ارتباط آنها با بیماریها سخن می‌گوید، اما بلخی آب و هوا و

شرایط محیط زیست ناسالم اصطلاح تخصصی «احتیال» را که معادل با راهکار است بکار می‌برد. یکی از راهکارهای زیست محیطی او توصیه به سکونت در مکانی دور از هوای قسمت پایین و سطحی زمین، و در نقاط مرتفع و مشرف و در معرض باد می‌باشد، زیرا هوایی که از قسمت پایین زمین به انسان می‌رسد درآمیخته با بخارهای آلوده متصاعد از زمین می‌باشد، درحالی که هوای قسمت‌های بالایی پاک و صاف است (۱۳). در واقع «هوای خانه‌هایی که در نقطه مرتفع بنا شده خنک‌تر و خوش‌تر و دم زدن در آن آسان‌تر است. هوای خانه های گود، گرم‌تر و گرفته‌تر و بخارهای آن نامرغوب و دم زدن در آن ناخوش‌تر می‌باشد (۱۸).

از آنجا که بلخی عادت دارد گفته‌های خود را با دلیل و شاهد عینی اثبات کند در این مورد نیز می‌گوید: دلیل تاثیر این بخارها بر هوا حالت خورشید و ماه است که هنگام طلوع و غروب رنگ آنها تیره و کدر می‌شود، گویی از پشت ابرها طلوع کرده‌اند. اما به تدریج که از جایی که در معرض اجزاء بخار مانند قرار دارند بالاتر می‌آیند رنگ آنها شفاف‌تر می‌شود، تا به حد اعلا شفافیت و درخشندگی می‌رسند. این بخارها هوا را آلوده و بدن را سست و به سنگینی و بی‌رمقی دچار می‌کنند، و آسیب و زیان‌های آن از جسم فراتر رفته و بر قدرت حافظه و درک انسان نیز تاثیر می‌گذارد، و موجب ضعف و کودنی می‌شود (۱۳). البته هوای آلوده از نظر بلخی با هوای متراکم متفاوت است، چون هوای متراکم هوایی است که گوهر ذاتی آن متراکم و خود بخود غلیظ شده است، در حالی که هوای آلوده، با آمیختن با اجسام غلیظ تراکم یافته است.

بادها و اهمیت تاثیر آنها نیز یکی از موضوعات دقیق زیست محیطی است که بلخی از پرداختن به آن غافل نبوده است، زیرا بادها بعنوان هوایی تجزیه پذیر بیشترین دخل و تصرف را در خود و در آنچه در معرض آنها قرار می‌گیرد، دارند. آنها با قدرتی که در حرکت دادن اجسام موجود در آب و خاک، و نیز در انتقال بوها و بارور کردن گیاهان و همچنین برانگیختن ابرها و بارش باران دارند، منشأ تغییرات زیادی در اوضاع زیست محیطی می‌شوند. آنها طبیعت و مزاج هر آنچه را که در معرضشان قرار می‌گیرد، تحت تاثیر خود قرار می‌دهند.

خاکی که در معرض هوا قرار می‌گیرد، (ب) آب شور دریاها و آب‌های آلوده و متعفن و گندیده (ج) دوری هوا از تابش نور خورشید و مدار آن، که این فاصله موجب غلبه سرما بر هوا می‌شود، و سرما خود غلظت عناصر ترکیبی هوا را افزایش می‌دهد، که برای تنفس مضر می‌باشد. (د) محبوس شدن هوا در گودی‌ها و دره‌ها و مناطق عمیق و پست، این هوا که سنگین و برای تنفس خطرناک است، ذرات آلوده را به خاک و گیاه و آبی منتقل می‌کند که مورد استفاده انسان قرار می‌گیرد (۱۳).

بلخی هوای آلوده را ترکیبی از هوا، اجزای بخارگونه، و خاکی که به صورت دود و ریزگرد بالا رفته می‌داند. وی قبل از ابن سینا از پدیده آلودگی هوا ناشی از وارونگی یا تعفن هوا، و عواقب وخیم آن سخن گفته است، پدیده‌ای که بیشتر در اواخر تابستان و در فصل پاییز رخ می‌دهد (۱۷). زیرا «هوای نزدیک به ما محض و خالص نیست، و با غبار، دود، و بخار درآمیخته و از هر چیزی اثر می‌پذیرد. و بهترین هوا هوایی است که از بخار دریاها و دیگر آبها، بخار مرغزارها و بیشه زارها، گیاهان و از بوی آهک، گلخن و عفونتها دور باشد. در میان درختان بانوب نباشد، با ارتفاعات محصور نشده باشد، و در تابستان همراه با غبار و در زمستان نمناک نباشد» (۱۸).

منشاء آلودگی خاک از نظر بلخی عبارت است از نفوذ مواد آلوده به خاک، دوری آن از تابش خورشید، محبوس شدن آن در مناطق پست که کوهها آنها را احاطه کرده و هوا به راحتی در آنجا جریان ندارد، و بخار و دم حیوانات در آنجا محبوس سپس استنشاق و به بدن باز می‌گردد. «عواملی مانند بلندی و پستی، مجاورت با بلندی و پستی و کوهساران، وجود درختان، کانی‌ها و گورستان‌ها، مواد بدبو و نظایر آن، افزونی و کاستی آب، کیفیت خاک و اینکه آزاد و یا شور و یا سیاه باشد، و ... جملگی تاثیراتی بر محیط زیست و به تبع آن بر حالات بدن دارند (۱۷).

### بحث:

در فصل سوم کتاب، وقتی بلخی در مورد اهمیت سلامت محیط زیست و سلامت جامعه سخن می‌گوید، برای بهبود

آن، در معرض هوای آزاد بودن یا پنهان بودن، و نوع آب و گوهر آن و ... باید به دقت مورد بررسی قرار گیرد. ضمن این که بادهای منطقه را نیز باید شناخت و از سلامت آن اطمینان حاصل کرد. هم چنین در مورد نقاط مجاور محل سکونت مانند دریا، مسیله‌ها، کوه‌ها و کان‌ها باید تحقیق کرد تا از سلامت آنها و تندرستی و بیماری مردم هر منطقه اطمینان حاصل شود.

بلخی توصیه می‌کند افراد در فصل زمستان خود را در معرض باد گرمی که از ناحیه جنوب می‌وزد قرار دهند، و محل خوابیدن آنها در معرض مستقیم وزش نسیم صبحگاهی باشد، تا فرد بتواند هم از آن نسیم و هم از تابش مستقیم نور خورشید به هنگام طلوع، که نیروی عجیبی به جسم و روح انسان می‌بخشد استفاده کند. زیرا این باد بر هر چه بوزد آن را گرم می‌کند و هوا را مساعد و عناصر ترکیبی آنرا لطیف و رقیق می‌گرداند (۱۳). به همین دلیل او پیشنهاد می‌کند پنجره‌ها و درهای محل سکونت شرقی- شمالی باشد. وی می‌گوید: «علت این که انسانها تمایل دارند فعالیت های جسمانی و فکری خود را همزمان با طلوع خورشید آغاز کنند، همین خاصیت نیرو افزایی خورشید در این وقت خاص است. در این وقت خاص توان و فعالیت انسان به حد اعلا خود می‌رسد. و فعالیت‌هایی که در این زمان انجام می‌شود بهترین و کامل‌ترین نتیجه را به دنبال دارد. به گونه‌ای که گویی انسان در این زمان به استقبال زندگی جدیدی در این عالم می‌رود و این زمان خاص مانند دوره جوانی عالم است (۱۳).

او بخارها و ریزگردها و ذرات موجود در هوای آلوده را منشأ وبا و نفوذ بیمارهای مسری به خاک و آب می‌داند، چیزی که قوای نفسانی را نیز ضعیف می‌کند. او به ساکنان این مناطق و نیز مناطقی که با کم آبی مواجه شده‌اند دو راه کار ارایه می‌دهد: (الف) مهاجرت به مناطقی که از محیط زیست سالم برخوردارند، (ب) استفاده از ترفندهای خاص برای زدودن آلودگی آب مثل زدودن آلودگی آن با مکانیسم‌های خاص، انتقال آب سالم از نقاط دیگر، و استفاده از بخورات خاص در خانه برای زدودن آلودگی هوا (۱۳). او معتقد است «اگر هوای خارج بد شود و بخارهای بد با آن درآمیزد، استفاده از هوای

بلخی قدرت تاثیرگذاری بادها را به حدی می‌داند که می‌توانند طبیعت و مزاج حیوانات را از نظر زاد و ولد و نوع جنسیت آن تغییر دهند. او می‌گوید: «من از تجربه‌هایی که بدست آورده‌ام به این نتیجه رسیده‌ام که وقتی وزش بادهای شمالی و جنوبی بر محل زاد و ولد حیوانات مدتی تداوم داشته باشد در بیشتر مواقع موجب می‌شود نتیجه تولید مثل آنها در یک نوبت مذکر و در نوبت بعد مؤنث باشد» (۱۳).

بلخی می‌گوید تاثیر بادها بر حیوانات و قوای جسمانی انسانها و رنگ پوست آنها به میزانی است که برخی از آنها بدن را سست و بی‌حال می‌کند و رنگ پوست را به زردی متمایل می‌کند، در حالی که برخی از آنها بدن را مستحکم و قوی و رنگ پوست را روشن و شفاف می‌گرداند (۱۳).

بر این اساس او به کسانی که به سلامت خود اهتمام می‌ورزند توصیه می‌کند در انتخاب محل سکونت خود از این جهت که در هر فصلی در معرض چه بادی قرار گیرد و از معرض چه بادی به دور باشد، دقت لازم را داشته باشند تا بتوانند از مزایایی که از ناحیه وزش بادهای مفید حاصل می‌شود بهره مند شوند، و از آسیب وزش بادهای مضر در امان بمانند. بدین معنی که تلاش کنند در وسط تابستان رو به جهتی بنشینند یا بخوابند که در معرض باد شمال که از ناحیه قطب شمال می‌وزد باشند، زیرا این باد بسیار خنک، از شدت گرما می‌کاهد، و در صورتی که سرما و گرمای شدید مانع نشود باید در خانه‌هایی در اماکن مرتفع و در معرض باد و باران خیز سکنی گزینند. چون، همان گونه که ابن سینا هم معتقد است، سرزمینهایی که در آن باد زیاد می‌وزد و کوه مانع نباشد از عفونت هوا بدور است. اما اگر مانعی در برابر وزش باد بر منطقه وجود داشته باشد هوا برای تعفن آمادگی می‌یابد (۱۷).

بلخی توصیه می‌کند زمانی که سرما و گرما به اوج خود می‌رسد، محل نشستن برای در امان ماندن از مضرات بخارهای متصاعد در فضایی مرتفع باشد، زیرا خانه های مناطق مرتفع و کوهستانی دارای آب و هوا و مزاج پاکتر و بهتر از خانه‌هایی هستند که در دشتهای بنا می‌شوند. خانه های مناطق دشتزار نیز از آب و هوا و نسیم لطیف‌تر از اماکن پست و گود برخوردارند (۱۳). بنابراین از نظر او خاک محل سکونت، پستی و بلندی



داخل بهتر از هوای بیرون می‌باشد، با اینکه هوای درون ساختمان سنگین تر از هوای خارج است» (۱۸).

بلخی ضمن پرداختن به مشکلات آلودگی آب و هوا و محیط زیست سه دلیل عمده برای مهاجرت انسانها از محل سکونت خود بیان می‌کند که عبارتند از: (الف) طلب معاش زندگی و کسب درآمد، زمانی که کشور مبدأ با رکود اقتصادی یا با خشکسالی روبرو شود، (ب) مهاجرت به سرزمینهای امن به خاطر ناامن بودن کشور مبدأ و ترس از جان، (ج) مهاجرت از مناطقی که از نظر آب و هوا و خاک آلوده‌اند و بیماری‌های مسری ساکنان آن را تهدید می‌کند. البته وی می‌گوید: «مهاجرت به هدف دستیابی به محل سکونت با آب و هوای سالمتر فقط در بین حکیمان و خردمندان و پادشاهان که به مصلحت و تندرستی خود توجه دارند رایج است، و بین مردم عادی کمتر پیش می‌آید». وی می‌گوید «متمکنان و پادشاهان و صاحب منصبان هرگاه مجبور می‌شدند در مناطق بد آب و هوا و آلوده به بیماری‌های مسری اقامت کنند، در صورتی که هوای آن منطقه برای تنفس آلوده بود سعی می‌کردند با بخورات خاص آلودگی هوای محیط را بزدایند» (۱۳).

اطلاعات بلخی در مورد مهاجرت به دلایل زیست محیطی و هم چنین تاثیر محیط زیست در ویژگی‌های جسمانی و روانی انسانها حاکی از شناخت عمیق او نسبت به ارتباط بین جغرافیای انسانی و محیط زیست می‌باشد (۱۴). ضمن اینکه او معتقد است خداوند بلند مرتبه مناطق مسکونی این کره خاکی را بین ساکنانش تقسیم نموده است، و هر یک از آنها دارای سهمی مشخص از این مناطق با آب و هوای خاص هستند، و تغییر آن به راحتی امکان پذیر نیست، تا ساکنان آن بتوانند آن سرزمین‌ها را نیز آباد کنند. با این حال بر هر صاحب درایتی لازم می‌داند برای دستیابی به محیط زیست سالم از هیچ تلاشی دریغ ننماید، چون مهاجرت علاوه بر دستیابی به محیط زیست سالم و در نتیجه دستیابی به سلامت جسم و روان، فرصت عمران و آبادانی دیگر مناطق و رواج گردشگری را نیز فراهم می‌کند (۱۳).

او توصیه می‌کند تدبیر مهاجرت، در مورد یک منطقه محدود و خاص، مثلا یک شهر و یا روستا و حتی یک قصر و

خانه مسکونی نیز اجرا شود. زیرا همان گونه که سرزمین‌های پهناور از جهت آب و هوا و محیط زیست متفاوتند، نواحی مختلف یک منطقه محدود هم از این نظر متفاوتند. هرچند این تفاوت به شدت تفاوت اولی نیست. اما باید این تفاوت‌ها را به هنگام انتخاب محل سکونت و ساخت و ساز به دقت مورد توجه قرار داد (۱۳). «این دیدگاه دقیق بلخی در مورد ساخت و ساز مناطق مسکونی منطبق با ویژگی‌های زیست محیطی منطقه حاکی از مطالعات وسیع بلخی در حوزه علوم هواشناسی، جغرافیا، و محیط زیست است» (۱۴). او قصد دارد دو نکته مهم از این موضوع استنباط کند: (الف) ضرورت توجه به انتخاب و ساخت محل سکونت متناسب با محیط زیست منطقه و متناسب با هر یک از فصل‌های سال، (ب) توجه به تفاوت‌ها و تمایزهای اقلیمی و آب و هوایی و بهره‌برداری صحیح از این تفاوت‌ها برای دستیابی به شرایط زیستی بهتر (۱۴). البته فواید دیگری را هم بلخی مد نظر دارد که عبارتند از استفاده بهینه از منابع خاک، آب، هوا، و انرژی و نیز جلوگیری از به هدر رفتن آنها و آلوده کردن محیط زیست، موضوعی که امروزه توجه طرفداران محیط زیست و جوامع بشری بخصوص جوامع صنعتی و پیشرفته را، به خاطر مواجه شدن با انواع مشکلات زیست محیطی و کمبود انرژی و خطرات ناشی از آلودگی‌های صنعتی و فسیلی به خود جلب کرده است.

بلخی برای صرفه جویی در مصرف انرژی و جلوگیری از هدر رفتن آن و آلوده شدن محیط زیست معیارهای علمی دقیقی برای ساخت و ساز محل سکونت پیشنهاد می‌کند و می‌گوید: «ساخت و ساز خانه‌ها باید به گونه‌ای باشد که درب و دیوارها عایق دار و قطور و مستحکم باشند، تا سرما و گرما نتواند از طریق منافذ به داخل ساختمان نفوذ کند. او توصیه می‌کند سقف خانه‌ها را بلند بسازند تا فضایی برای حرکت و جابجایی بازدم و هوای آلوده با بخارها و دوده‌های ناشی از مواد سوختی وجود داشته باشد (۱۹). زیرا بازدم و بخار آلوده می‌تواند در یکجا انباشته شوند، به منافذ پوست نفوذ کنند، و به انسان آسیب جدی برسانند.



که محفوظ، پوشیده، و دارای درب و دیوارهای عایق‌دار، فشرده و سقفی بلند باشد تا مانع از ورود گرما به داخل شود (۲۰). اما رفتن به زیرزمین را همیشه مفید نمی‌داند، زیرا هوای سرداب سنگین و مرطوب است و بدن را سست و سنگین می‌کند. در پناهگاه نیز بهتر است در جایی بالاتر از سطح زمین نشست و هوا هم از قسمت بالایی پناهگاه که دارای هوای سبک‌تر از قسمت پایین می‌باشد از طریق روزنه‌ها و دریچه‌هایی که در قسمت بالایی نصب شده گرفته شود، نه از قسمت پایین که سنگین است.

بلخی معتقد است عناصر سه گانه محیط زیست علاوه بر جسم بر خلق و خوی انسان نیز تاثیر بسزایی دارند. چنانچه، بخارهایی که هوا را تیره و آلوده می‌کنند موجب رخوت بدن و سنگینی آن می‌شود و مضرات آن از جسم فراتر می‌رود و به روان انسان نیز آسیب می‌رساند، موجب کودنی و کند ذهنی می‌شود (۱۳).

بلخی با ذهن عقل‌گرای خود برای اثبات دیدگاه‌های علمی خود به استدلال و آزمایش و ذکر نمونه عینی متوسل می‌شود. وی تسلیم هیچ موضوعی نمی‌شود مگر بعد از این که درستی و اتقان آن را با آزمایش و ذکر نمونه عملی اثبات کند. به همین دلیل قبل از ذکر نظرات علمی خود اغلب از عباراتی مانند «تجربه و آزمایش ثابت کرده است» استفاده می‌کند (۲۱). زیرساخت اعتقادی بلخی موجب می‌شود او در پدیده‌ها و اسباب و علل مادی متوقف نشود، بلکه به عالمی فراتر از آن قدم گذارد و اسباب و علل را به مشیت و اراده الهی نسبت دهد و احکام را مستقل از اراده الهی نداند. وی معتقد است که این تدابیر تنها با مشییت و اراده خداوند است که مؤثر می‌آید. سپس از حکمت نهفته در ماورای آنها سخن گوید و با مرتبط دانستن نظم و حکمت الهی با سلامت و تعادل و توازن محیط زیست، برخورداری انسان از سلامت جسم و روان را به تکریم خداوند از انسان اشرف مخلوقات نسبت می‌دهد، زیرا شایسته ترین موجودات که نباید آموزش مورد غفلت و بی‌توجهی قرار گیرد انسان است که مدبّر تمامی کائنات می‌باشد، موجودی که بقای عالم و فساد آن با اوست (۱۱).

برخوردار بودن محل سکونت از روشنایی و نور کافی یکی دیگر از توصیه‌های زیست محیطی و روانشناسی بلخی است، زیرا روان انسان در فضای روشن آرامش می‌یابد و به شادابی و نشاط می‌رسد، اما در فضای تاریک احساس تنهایی و وحشت می‌کند. چنانچه به تأثیر مثبت تابش خورشید بر جسم و روان انسان به هنگام طلوع اشاره می‌کند (۱۳). تابش خورشید در این زمان موجب افزایش مصرف اکسیژن می‌شود، و این در افزایش رشد جسم و فعالیت و نشاط اعصاب و روان نقش بسزایی دارد (۱۴). وی این موضوع را از منظر علم روانشناسی نیز مورد بررسی قرار می‌دهد و می‌گوید: «علت این که نور به روان انسان آرامش می‌دهد این است که انسان با روشنایی روز انس می‌گیرد، و نور از جنس روز و تاریکی از جنس شب است.» سپس به برخی آسیب‌هایی که از ناحیه فضای تاریک به چشم وارد می‌شود اشاره می‌کند (۱۹).

وی به چگونگی مصرف انرژی حرارتی برای گرم کردن محل سکونت در زمستان نیز می‌پردازد و می‌گوید: «لازم است خانه‌ها با سوختی گرم شوند که حرارت به صورت یکنواخت به تمامی قسمت‌های خانه برسد. ساکنان باید از نشستن در مجاورت شعله مستقیم آتش پرهیز کنند، زیرا حرارت باید یکنواخت به بدن برسد. به همین دلیل توصیه می‌کند افراد در زدودن گرما و سرما از خود زیاده‌روی نکنند، تا با عواقب دشوارتر روبرو نشوند. مگر اینکه فرد مجبور به استفاده از حرارت مستقیم برای درمان باشد، و ناچار باشد عضوی از بدن را گرم کند، که آن به بحث حرارت درمانی مربوط می‌شود» (۱۹).

وی توجه به ضرورت تغییر تدریجی سرما یا گرما در محل سکونت را مورد تاکید قرار می‌دهد و می‌گوید: «بدن باید به تدریج با سرما و گرما مواجه شود، یعنی قسمت مرکزی خانه بدور از سرمای خارج باشد، و قسمت بیرونی آن بیشتر از قسمت مرکزی در معرض هوای سرد باشد، و هرچه زمان سرما افزایش یابد، ساکنان بیشتر خود را در قسمت مرکزی و به دور از هوای سرد قسمت بیرونی محفوظ دارند» (۱۹).

در مورد محافظت از بدن در گرمای شدید، نقل مکان به مناطق مرتفع و کوهستانی را پیشنهاد می‌کند. در صورتی که این کار امکان پذیر نباشد باید پناهگاهی برای سکونت انتخاب کرد

وی با تاکید بر تکریم انسان از جانب خداوند، و استحقاق انسان برای مدیریت عالم و برخورداری از سلامت جسم و روان و محیط زیست ضمن مقایسه انسان با دیگر موجودات می‌گوید: «مشیت الهی بر این قرار گرفته که انسان به سعادت دنیوی و اخروی برسد و این سعادت را مستلزم سلامت محیط زیست و جسم و روان و ایمان و توکل به خدا و دوری از آفت‌های فکری و قلبی و دوری از تمایلات نفسانی می‌داند. دستیابی به این سلامت نیز جز از طریق علم و معرفت و آگاهی امکان‌پذیر نمی‌باشد. به همین دلیل خداوند به انسان نیروی تشخیص و تفکر و تعقل ارزانی داشته است تا بهترین تدبیر را در مورد محیط زیست خود بکار گیرد» (۱۹).

### نتیجه‌گیری:

موضوع حفظ محیط زیست و پیشگیری از تخریب آن همواره از دغدغه‌های اندیشمندان و حکیمان مسلمان ایرانی از جمله ابوزید بلخی پایه‌گذار علم سلامت روان و پیشگیری در قرن سوم و چهارم هجری بوده است. بلخی در کتاب مصالح الأبدان و الأئفس پیشگیری را هم در حوزه سلامت جسم و روان و هم در حوزه سلامت محیط زیست مقدم بر درمان می‌داند، زیرا معتقد است که حفظ شیء موجود مهمتر از این است که به دنبال چیزی باشیم که از دست رفته است. وی نگره داری از محیط زندگی و همه اشیاء طبیعی و اشیاء مصنوعی ساخته دست بشر را مورد تاکید قرار می‌دهد. البته این محافظت و نگهداری را مستلزم مدیریت صحیح انسانها و آگاهی کافی آنها نسبت به جسم و روان و محیط زیست خویش می‌داند.

وی با بررسی مزاج چهارگانه محیط زیست نتیجه می‌گیرد که منشأ تفاوت‌های جسمانی، روانی و اخلاقی انسانها تفاوت در مزاج این عناصر می‌باشد. او ضمن طبقه بندی یافته های خود در مورد آب، هوا، خاک، و محل سکونت و نیز بررسی علل آلودگی آنها و تعیین استانداردهایی که این عناصر باید برای تأمین یک زندگی سالم برخوردار باشند، توجه به تفاوت‌های اقلیمی را در هر یک از فصول سال به هنگام انتخاب و ساخت محل سکونت ضروری می‌داند، و بهره‌برداری صحیح از این تفاوت‌ها را برای دستیابی به شرایط زیستی بهتر

و استفاده بهینه از منابع خاک، آب، هوا، و انرژی سالم، و همچنین صرفه جویی در مصرف آنها و اجتناب از آلوده نمودن و تخریب محیط زیست با انرژی های ناپاک مورد تأکید قرار می‌دهد. با این حال او معتقد است هنوز پشت پرده این مقوله، یعنی حفظ سلامت محیط زیست و پیشگیری از تخریب آن اسراری نهفته است که علم و دانش بشری از درک آنها عاجز است. زیرا آثار زیانبار این موضوع در کوتاه مدت برای انسان آشکار و ملموس نیست، بلکه در بلند مدت و به تدریج تبدیل به فاجعه می‌شود. به نظر می‌رسد یکی از معضلات زیست محیطی مد نظر بلخی که پیشگیری فواید زیادی در دفع آن دارد آلودگی هوا ناشی از پدیده وارونگی و خطرات ناشی از آن است که بطور تلویحی به آن اشاره می‌کند و نسبت به آن هشدار می‌دهد، و معتقد است محل سکونت و شهرها باید در نقاط مرتفع و در معرض بادهای مرغوب ساخته شود، چون سرزمین‌هایی که باد در آنها زیاد می‌وزد و کوه مانع نیست از عفونت و آلودگی هوا بدورند. او به ساکنان مناطقی که به دلیل شیوع بیماری یا محبوس ماندن هوا در گودی‌ها و وجود بخارات، غبارها، و ریزگردها با عفونت هومواجه هستند توصیه می‌کند زمانی که سرما و گرما به اوج شدت خود می‌رسد در مناطق مرتفع که دارای آب‌وهوای پاک‌تر هستند سکونت گزینند، تا از مضرات بخارها و دود و عفونت و ریزگردهای متصاعد از زمین در امان باشند، یا با مکانیزم های خاص مانند استفاده از بخورات به تصفیه هوای آلوده اقدام کنند.

وی با ذهن عقل‌گرای خود موضوع سلامت انسان را با سلامت محیط زیست و با مباحث روانشناسی گره می‌زند. و کسب سلامت و سعادت او را مستلزم سلامت محیط زیست و سلامت جسم و روان انسان و ایمان و توکل به خدا و پابندی به ارزش‌های اخلاقی و علم و معرفت می‌داند. بنابراین آراء دقیق این اندیشمند مسلمان در حوزه محیط زیست ثابت می‌کند بسیاری از مباحث زیست محیطی و کشف علل و عوامل برخی پدیده ها و معضلات آن مانند پدیده وارونگی و آلودگی هوا ریشه در اعماق تاریخ ایران و اسلام دارد. علی‌رغم این که تصور می‌رود از دستاوردهای زندگی شهرنشینی جدید باشند.

## References:

- ١ . ياقوت بن عبدالله الحموي، شهاب الدين: معجم الأبياء. ج ٢، دار الفكر، بيروت، صص: ٦٨-٨٥، ١٩٨٠ م.
- ٢ . ابن حجر العسقلاني، شهاب الدين: لسان الميزان. تحقيق: المرعشي، محمد عبد الرحمن. ج ١، دار إحياء التراث، بيروت، صص: ٢٧٧، ١٩٩٥ م.
- ٣ . الخضري، محمد: محاضرات تاريخ الأمم الإسلامية - الدولة العباسية. دار القلم، بيروت، صص: ٣٦، ١٩٨٦ م.
- ٤ . بروكلمان، كارل: تاريخ الأدب العربي، ترجمه عربى: رمضان، عبد التواب، بكر يعقوب. جز ٤، دار الكتاب الاسلامى، قم، صص: ٢٤٦، ٢٠٠٨ م.
- ٥ . مصرى، محمود: مقدمه كتاب مصالحي الأبدان والأنفس، مؤسسة مطالعات تاريخ پزشکی، تهران، صص: ٤٦-٤٧، ١٣٨٨.
- ٦ . كحاله، عمر رضا: معجم المؤلفين تراجم مصنفي الكتب العربية. ج ١، دار إحياء التراث العربي، بيروت، صص: ٢٤٠، ١٩٥٧ م.
- ٧ . جرجى زيدان: تاريخ آداب اللغة العربية. ج ٢، دار الفكر، بيروت، صص: ٢٢٢، ١٩٩٦ م.
- ٨ . بشير، طه الزبير: علم النفس في التراث العربي الاسلامى (سلسلة الكتاب الالكتروني). نسخه ٢١، اصدارات شبكة العلوم النفسية العربية، صص: ١٢٤، ٢٠١١ م.
- ٩ . نديم، محمد بن اسحاق أبى يعقوب: الفهرست، تحقيق و تصحيح: رمضان، ابراهيم، چاپ ٢، دار المعرفه، بيروت، ١٩٩٧.
- ١٠ . نجم آبادى، محمود: تاريخ طب در ايران پس از اسلام. انتشارات دانشگاه تهران، تهران، صص: ٣٣٥، ١٣٧٠.
- ١١ . بلخى، أبو زيد، مصالحي الأبدان و الأنفس. تحقيق: محمود مصرى، مؤسسة مطالعات تاريخ پزشکی، تهران، صص: ٣١١-٣١٧، ١٣٨٨.
- ١٢ . بلخى، أبو زيد، مصالحي الأبدان و الأنفس. تحقيق: محمود مصرى، مؤسسة مطالعات تاريخ پزشکی، تهران، صص: ٣٨٠، ١٣٨٨.
- ١٣ . بلخى، أبو زيد، مصالحي الأبدان و الأنفس. تحقيق: محمود مصرى، مؤسسة مطالعات تاريخ پزشکی، تهران، صص: ٣٢٨-٣٤٢، ١٣٨٨.
- ١٤ . مصرى، محمود: مقدمه كتاب مصالحي الأبدان والأنفس، مؤسسة مطالعات تاريخ پزشکی، تهران، صص: ١٢١-١٢٩، ١٣٨٨.
- ١٥ . الرهاوى، اسحاق: أدب الطبيب. تحقيق: السامرائى، كمال، و سلمان على، داود، چاپ اول، دار الشؤون الثقافية العامة آفاق عربية، بغداد، صص: ٨٢، ١٩٩٢ م.
- ١٦ . مصرى، محمود: مقدمه كتاب مصالحي الأبدان والأنفس، مؤسسة مطالعات تاريخ پزشکی، تهران، صص: ٢٩٧-٢٩٨، ١٣٨٨.
- ١٧ . ابن سينا، أبو على: قانون، ترجمه: شرفكندى، عبدالرحمن، ج ١، انتشارات صدا و سيمای جمهوری اسلامی ايران، تهران، صص: ٢٠٨-٢١٢، ١٣٨٣.
- ١٨ . جرجانى، سيد اسماعيل: الخفية العلانية، به كوشش ولايتى، على اكبر و نجم آبادى، محمود، انتشارات اطلاعات، تهران، صص: ١٠-١٨، ١٣٧٧.
- ١٩ . بلخى، أبو زيد، مصالحي الأبدان و الأنفس. تحقيق: محمود مصرى، مؤسسة مطالعات تاريخ پزشکی، تهران، صص: ٣٤٦-٣٤٩، ١٣٨٨.
- ٢٠ . بلخى، أبو زيد، مصالحي الأبدان و الأنفس. تحقيق: محمود مصرى، مؤسسة مطالعات تاريخ پزشکی، تهران، صص: ٣٥٥-٣٥٦، ١٣٨٨.
- ٢١ . بلخى، أبو زيد، مصالحي الأبدان و الأنفس. تحقيق: محمود مصرى، مؤسسة مطالعات تاريخ پزشکی، تهران، صص: ٤٤٢، ١٣٨٨.